

# نگرشی نو به ملاک سفر شرعی

○ سیدهدایت الله طالقانی

چکیده

یکی از ملاک های قصر نماز در سفر مقدار سفر شرعی است. اکثر قریب به اتفاق علما بر آن اند که مقدار آن هشت فرسخ است و این اصلی کلی و ملاکی تغییر ناپذیر است، ولی واقعیت آن است که اصل تغییر ناپذیر، «مسیر یک شبانه روز» است که در قدیم بر حسب شرایط، «روشنایی روز» بود، ولی در قرن اخیر به سبب بهره مندی از وسایل نقلیه جدید، «شبانه روز» است.

براین اساس، مصداق این ملاک در گذشته، هشت فرسخ یا حدود ۴۴ کیلومتر بود و در عصر حاضر ۱۷۵۰ کیلومتر است. این مدعا به استناد ۲۲ روایت در قالب هشت دلیل، اثبات و به کلمات فقهای سلف استشهد شده است.

کلید واژه: مقدار سفر شرعی، تقصیر، قصر [نماز]، نماز شکسته، مسیره یوم، برید، فرسخ، میل.

\*

۱. این عدد، میانگین مسافتی است که وسایل نقلیه عمومی مانند اتوبوس در یک شبانه روز می پیمایند.

یکی از احکام مسافر، شکسته شدن نمازهای چهار رکعتی است و این حکم هشت شرط دارد. اولین شرط، «مقدار مسافت سفر» است که نماز در کمتر از آن کامل و در بیشتر از آن، قصر است. منبع اصلی این حکم، روایات است. دو نکته، بررسی مجدد این روایات را ضرورت می بخشد:

نکته اول، تغییر وسایل حمل و نقل و وضع جاده ها از حدود هفتاد سال اخیر<sup>۲</sup> است که نتیجه آن تفاوت مسافرتهاى کنونی و گذشته است.

دومین نکته ای که انسان را به بررسی ملاک سفر شرعی برمی انگیزد، عنوان باب اول نماز مسافر در وسائل الشیعه<sup>۳</sup> است؛ یعنی «باب وجوب القصر فی بریدین ثمانیه فراسخ فصاعداً او مسیره یوم معتدل السیر».

در این عنوان «مسیره یوم معتدل السیر» جلب نظر می کند که با حرف «أو» در کنار «ثمانیه فراسخ» آمده است. صاحب وسائل الشیعه به عنوان فقیه و حدیث شناس، دو ملاک را در عنوان باب مطرح کرده است:

۱. بعد مکانی یا هشت فرسخ؛ ۲. بعد زمانی یا مسیر یک روز.

این دو تعبیر، ذهن را متوجه این نکته می کند که چرا دو ملاک بیان شده، نه یک ملاک و اینکه آیا اساساً هر دو، یک ملاک است یا مفهوم و ماهیت متفاوت با یکدیگر دارند؟ اگر چنین است، کدام اصل و کدام فرع و تابع است؟

با توجه به این سؤالات، ضرورت می یابد که تمام روایات این بحث با نگاهی نو بررسی و بازبینی شود تا حقیقت امر روشن گردد.

۲. تا اوایل قرن گذشته، مسافرت در ایران با حیواناتی چون شتر و امثال آن انجام می گرفت و سپس اتوبوس جایگزین آن شد.

۳. وسائل الشیعه، چاپ اسلامیه، ج ۵، ص ۴۵۰ و چاپ آل البیت (ع)، ج ۸، ص ۴۵۱.

## روایات این باب

روایات مربوط به مقدار سفر شرعی دو دسته است:

نخست، روایاتی که مقدار سفر را بر حسب زمان (بعد زمانی) یا مسیر یک روز مشخص کرده اند.

دوم، روایاتی که مقدار سفر را بر حسب مسافت (بعد مکانی) یا هشت فرسخ و امثال آن ذکر کرده اند.<sup>۴</sup>

در هر بحث لازم است همه روایات مربوط به آن، به طور کامل، مبسوط و همه جانبه - نه به طور ناقص و تک بعدی - جمع بندی شود. بدین روی، در اینجا نیز بررسی هر دو دسته روایات ضرورت دارد. از طرفی دیگر، موضوع مورد بحث ما، فقط تشخیص ملاک اصلی و فرعی است. از این رو، تنها بررسی روایاتی ضرورت دارد که مربوط به همین موضوع باشد و چون روایات دسته دوم (بعد مکانی) نقشی در این موضوع ندارند،<sup>۵</sup> نیازی به بررسی آنها نیست. به عبارت دیگر، هر دو دسته روایات در گذشته موضوع داشته و حکم واقعی را بیان کرده اند و هر دو ملاک یک پیام داشته و تفاوتی با هم نداشته اند؛ یعنی هشت فرسخ مساوی یک روز بوده است، اما در زمان کنونی این دو ملاک، تفاوت بسیار با هم دارند و این تفاوت، ضرورت مراجعه دوباره به روایات را می نمایاند تا اصل و فرع مشخص شود.

۴. برخی دیگر از روایات هر دو ملاک زمانی و مکانی را مطرح کرده اند. بر این اساس، روایات این بحث را که ۵۸ حدیث است، به سه دسته می توان تقسیم کرد: ۳۳ حدیث فقط با واحد مکانی، ۱۵ حدیث فقط با واحد زمانی و ۱۰ حدیث با هر دو واحد نقل شده اند. در اینجا دو دسته آخر را که مربوط به واحد زمانی است، بررسی می کنیم.

۵. بعضی از روایات، هر دو بعد را مطرح کرده اند که در اینجا آن روایاتی بررسی می شود که اصل بودن بعد زمانی را روشن می کند.

ابتدا به بررسی روایات می پردازیم و سپس در چهار موضوع (یک موضوع اصلی و سه موضوع مرتبط با آن)، بحث و نتیجه گیری می شود.

### بررسی روایات

مقدار سفر شرعی بر حسب زمان فقط با واژه «مسیره یوم» بیان شده است. روایات مربوطه<sup>۶</sup> عبارت است از:

۱. صحیحۀ فضل بن شاذان<sup>۷</sup> از امام رضا (ع):

فقرة اول:

فَلَمْ وَجِبَ التَّقْصِيرُ فِي [ثَمَانِيَةَ] فَرَسَخٍ لَأَقْلَ مِنْ ذَلِكَ وَ لِأَكْثَرٍ [قَالَ الرِّضَاءُ (ع)]: [لَانَ ثَمَانِيَةَ فَرَسَخٍ مَسِيرَةَ يَوْمٍ<sup>۸</sup> لِلْعَامَّةِ وَ الْقَوَافِلِ وَ الْإِثْقَالِ، فَوْجِبَ التَّقْصِيرُ فِي مَسِيرَةِ يَوْمٍ؛

۶. همان طور که در پاورقی ۲ بیان شد، تمام روایات در وسائل الشیعه (باب های ۱ و ۲ و ۹ و ۱۰ احکام نماز مسافر) آمده و فقط سه روایت (شماره های ۳ و ۲۲ و ۲۳) از وسائل الشیعه نیست که نشانی آنها در محل خود خواهد آمد.

۷. وسائل الشیعه، باب اول از ابواب صلاة المسافر، حدیث ۱، به نقل از علل الشرائع، ج ۱، ص ۳۱۸. در پایان حدیث در صفحه ۳۱۸ از کتاب علل الشرائع چنین آمده است: حَدَّثَنَا عَبْدُالْوَّاحِدِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِوَسِّ النَّيْسَابُورِيِّ الْعَطَّارِ، قَالَ: حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ قَتَيْبَةَ النَّيْسَابُورِيِّ، قَالَ: قُلْتُ لِلْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ: أَيْنَ حَدِيثُ رَأْسِ مَعْصُومٍ شَنِيدَهُ أَيُّ؟ فَضَلَّ كَفْتُ: أَيْ نَاحِيَةَ خُودِمْ تَعْلِيلُ نَكْرَهُمْ، بَلَكُهُ أَيْ مَوْلَايِمِ أَبِي الْحَسَنِ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرِّضَاءِ (ع) فِي مَرَاكِبِ مُخْتَلَفِ شَنِيدَهُمْ، سَبَسَ أَيْ رَأْسَهُمْ جَمْعُ كَرْدَةٍ. بِه فَضَلَّ كَفْتُمْ: أَيْ كَلِمَاتِ رَأْسِ أَيْمَانَ الرِّضَاءِ (ع) حَدِيثِ مِي كُنِي؟ كَفْتُ: بَلِي.

منبع اصلی چهار روایت اول: علل الشرائع، ج ۱، ص ۳۱۸ و ۳۱۹، باب ۱۸۲، ح ۹ است و روایات اول، دوم و چهارم، همان احادیث اول و دوم باب اول نماز مسافر در روایات وسایل الشیعه، ج ۵، است.

۸. «مسیره» مصدر است، به معنای راه رفتن و حرکت کردن. مسیره یوم، یعنی به اندازه یک روز حرکت کردن.

سؤال شد: چرا تقصیر<sup>۹</sup> در هشت فرسخ واجب شد، نه کمتر و نه بیشتر؟  
 امام رضا(ع) در جواب فرمود: زیرا هشت فرسخ، به اندازه یک روز حرکت  
 کردن برای عموم مردم و کاروانهای مسافربر (=قافله ها) و کاروانهای باربر  
 (=انقال) است، پس تقصیر در یک روز واجب شد.

در این فقره از حدیث سه مطلب اساسی مطرح شده است:

الف) تعیین ملاک: ترکیب «مسیره یوم» به عنوان یک ملاک برای سفر شرعی  
 ذکر شده است.

ب) تعلیل: در این حدیث صریحاً بیان شده که تعیین مسافت مکانی (هشت  
 فرسخ) بدین جهت بوده که همان «مسیره یوم» می باشد. به عبارت دیگر، ملاک  
 اصلی را «مسیره یوم» می داند و جنبه مکانی را از مصادیق آن می داند. توضیح  
 بیشتر خواهد آمد.

ج) شرایط وسیله نقلیه: سفر باید با وسیله رایج برای عموم مردم باشد، مانند  
 قافله شتر یا کاروانهای مسافربری یا باربری، پس حرکتهای خاص مورد نظر  
 نیست. بنابراین حرکت اسب سواران در گذشته و نیز در این زمان مسافرت با  
 هواپیما و خودروهای پر سرعت، شامل این حکم نیست.  
 فقره دوم:

فَلَمْ يَجِبِ التَّقْصِيرُ فِي مَسِيرَةِ يَوْمٍ [قال الرضا(ع):] لِأَنَّهُ لَوْلَمْ يَجِبِ فِي مَسِيرَةِ  
 يَوْمٍ لَمَا وَجِبَ فِي مَسِيرَةِ أَلْفِ سَنَةٍ، وَ ذَلِكَ؛ لِأَنَّ كُلَّ يَوْمٍ يَكُونُ بَعْدَ هَذَا الْيَوْمِ  
 فَإِنَّمَا هُوَ نَظِيرُ هَذَا الْيَوْمِ، فَلَوْلَمْ يَجِبِ فِي هَذَا الْيَوْمِ لَمَا يَجِبُ فِي نَظِيرِهِ إِذَا كَانَ  
 نَظِيرُهُ مِثْلَهُ لِأَفْرَقَ بَيْنَهُمَا؛

پس چرا در مسیر یک روز تقصیر واجب است؟ [امام رضا(ع) جواب داد:]

۹. تقصیر، کوتاه کردن نماز است و در اصطلاح فقه عبارت است از: تبدیل نمازهای چهار  
 رکعتی به نمازهای دو رکعتی.

اگر در یک مسیر یک روز تقصیر واجب نمی شد، در مسیر هزار سال هم واجب نخواهد بود؛ زیرا هر روز بعدی مانند روز قبلش است، پس هر روز مثل امروز است. بنابراین اگر تقصیر امروز واجب نشود، در نظیر آن نیز واجب نخواهد شد، با وجود آنکه روزها مثل یکدیگر هستند و هیچ فرقی با هم ندارند.

#### فقرة سوم:

فَلَمَ قَصُرَتِ الصَّلَاةُ؟ [قال الرضا(ع)]: لَأَنَّ الصَّلَاةَ الْمَفْرُوضَةَ أَوْلَىٰ إِنَّمَا هِيَ عَشْرَ رَكَعَاتٍ وَالسَّجُّعُ إِنَّمَا زِيدَتْ فِيهَا بَعْدُ، فَخَفَّفَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ تِلْكَ الزِّيَادَةَ لِمَوْضِعِ سَفَرِهِ وَتَعَبِهِ وَنَصْبِهِ وَاشْتِغَالِهِ بِأَمْرِ نَفْسِهِ وَظَعْنِهِ وَإِقَامَتِهِ، لِثَلَاثٍ يَشْتَغَلُ عَمَّا لَا يَبْدُلُهُ مِنْ مَعِيشَتِهِ رَحْمَةً مِنَ اللَّهِ وَتَعَطُّفًا عَلَيْهِ؛

از امام رضا (ع) سؤال شد: چرا در سفر نماز شکسته می شود؟ [فرمود: ] نماز واجب ابتدا ده رکعت بود و بعدها هفت رکعت به آن اضافه شد. پس خداوند عزّ وجلّ آن اضافه را در سفر تخفیف داد، به خاطر موقعیت سفر انسان، سختی و خستگی و اشتغال او به کارهای خود، [مثل] کوچ کردن و اقامت او. [این تخفیف] برای این است که از این امور فارغ باشد [و نیز] رحمت خداوند و تعطف او بر انسان است.

#### فقرة چهارم:

قَدْ يَخْتَلِفُ الْمَسِيرُ، وَذَلِكَ أَنَّ سِيرَ الْبَقْرِ إِنَّمَا هُوَ أَرْبَعَةٌ فَرَاخٌ وَسِيرُ الْفَرَسِ عَشْرُونَ فَرَسَخًا، فَلَمَّ جَعَلْتَ أَنْتَ مَسِيرَةَ يَوْمٍ ثَمَانِيَةَ فَرَاخٍ؟ [قال الرضا(ع): ] لَأَنَّ ثَمَانِيَةَ فَرَاخٍ هُوَ سِيرُ الْجَمَّالِ وَالْقَوَافِلِ وَهُوَ الْغَالِبُ عَلَى الْمَسِيرِ وَهُوَ أَعْظَمُ الْمَسِيرِ الَّذِي يَسِيرُهُ الْجَمَّالُونَ وَالْمَكَارِيُونَ؛

مسیر (مقدار حرکت) فرق می کند و علت آن [تفاوت و سیله نقلیه است؛ مثلاً] [السیر] سیر (حرکت) گاو [در یک روز] چهار فرسخ و سیر اسب

بیست فرسخ است. [با وجود تفاوت سیر] پس چرا مسیر یک روز را هشت فرسخ قرار داده‌اید؟ [امام رضا (ع) جواب داد: ] از این جهت مسیر یک روز، هشت فرسخ تعیین شده که همان سیر شتر و کاروانها است و این [وسیله] غالب و عموم مردم در مسافرت است و این [هشت فرسخ] بیشترین سیری است که شتر داران<sup>۱۰</sup> می‌پیمایند.

این حدیث همان مطالب فراز اول را دارد، به جز لفظ «للعامة». علاوه بر آن، روشن کرده که چرا هشت فرسخ، مصداق مسیر یک روز است. در ذیل این حدیث، در ترجمه و شرح من لایحضرة الفقیه<sup>۱۱</sup> چنین بیان شده است.

مراد آن است که هشت فرسخ را نه به حساب استر کندرو و نه به حساب چهارپای تندرو قرار داده‌اند، بلکه به حساب قطار شتر میانه رو گذاشته‌اند که در عرض یک روز تمام، هشت فرسخ را به راحتی می‌پیماید. بنابراین ملاک سفر، صرف هشت فرسخ، و لو کمتر از یک روز تمام باشد، نیست، بلکه ملاک آن است که انسان حداقل یک روز تمام در سفر باشد.

۲. صحیحہ کاهلی<sup>۱۲</sup>: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۱۰. در متن حدیث کلمه «مکارئون» آمده که جمع مکاری است، به معنای کرایه دهنده چهار پایان.

۱۱. ترجمه صدر بلاغی و محمد جواد غفاری، تهران: نشر صدوق، ج ۱، ص ۲، ج ۲، ص ۱۱۳.

۱۲. وسائل الشیعه، باب اول از ابواب صلاة المسافر، حدیث ۳؛ عبدالله بن یحیی کاهلی که ناقل اصلی است، «چهره ای سرشناس نزد امام کاظم [ابی الحسن (ع)] بود»: (رجال نجاشی، ص ۲۲۱؛ بهجة الآمال، ج ۵، ص ۲۹۹) و «علامه، حکم به توثیق او کرده است»: (بهجة الآمال، ج ۵، ص ۳۰۱) و به علاوه، از رجال بزنطی و صفوان و ابن ابی عمیر است: (معجم الثقات، ص ۱۸۰). مقدس اردبیلی (مجمع الفوائد، ج ۳، ص ۳۵۸) این حدیث را صحیح دانسته است.

أنه سمع الصادق(ع) يقول في التخصير في الصلاة: برید فی برید، أربعة و  
عشرون ميلاً، ثم قال: كان ابي يقول: إن التخصير لم يوضع على البغلة  
السفواء والدابة الناجية وإنما وضع على سير القطار؛

کاهلی از امام صادق(ع) شنید که درباره [شرط] شکسته شدن نماز فرمود:  
یک برید در [رفت و] یک برید [در برگشت] که جمعاً دو برید یعنی ۲۴ میل  
است. سپس امام صادق(ع) فرمود: پدرم می گفت: تقصیر، برای قاطر تند  
رو یا حیوان سریع السیر قرار داده نشده است، بلکه ملاک حرکت قطار  
شتران (قافله) است.

در نگاه ابتدایی گمان می رود که این حدیث مربوط به جنبه مکانی است، ولی  
باید پرسید که چرا امام باقر(ع) فرمود: این مسافت و بعد مکانی (برید) برای قاطر تند  
رو یا حیوان سریع السیر قرار داده نشده است؟ مگر فرق می کند که هشت فرسخ را تند  
بروند یا آهسته؟ از اینجا روشن می شود که ملاک اصلی مسیر یوم (یک روز) است و  
چون سرعت در مقدار مسافت یک روز حرکت تاثیر می گذارد<sup>۱۳</sup>، امام فرمود: این  
مقدار هشت فرسخ برای قافله های شتر است، نه برای قاطرهای تند رو.

اگر مقیاس اصلی سفر شرعی، به لحاظ مکانی بوده است، تفاوتی ندارد که  
سفر با قافله شتر باشد یا با قاطر تند رو یا با سواری و هواپیما در زمان ما. برید همان  
برید و هشت فرسخ همان هشت فرسخ است و وسیله نقلیه هیچ تاثیری در آن  
ندارد. پس مقیاس اصلی سفر شرعی، بعد زمانی و یک روز است و چون  
کاروانهای شتران در روشنایی روز هشت فرسخ سیر می کردند، در بعضی از  
روایات این هشت فرسخ به عنوان مصداق ملموس بیان شده است.

۳. در صحیح زراره، امام باقر(ع) فرمود: <sup>۱۴</sup>

۱۳. اگر وسیله نقلیه تند برود، مسافت بیشتری را در یک روز، طی می کند.

۱۴. وسائل الشیعه، باب اول از ابواب صلاة المسافر، حدیث ۴.



قد سافر رسول الله (ص) إلى ذى حُشْب و هو مسيرة يوم من المدينة، يكون إليها بریدان: أربعة وعشرون ميلاً فقصر و افطر فصارت سنة؛

رسول الله (ص) به ذى حُشْب مسافرت کرد که تا مدینه یک روز فاصله داشت، یعنی از مدینه تا ذی حُشْب دو برید یا ۲۴ میل [۸ فرسخ] است. پس نماز را شکسته خواند و افطار کرد، پس از آن، این عمل سنت گردید.

۴. صحیحہ زکریا بن آدم: ۱۵

أنه سأل أبا الحسن الرضا (ع) عن التقصير: في كم يقصر الرجل إذا كان في ضياع أهل بيته وأمره جائز فيها يسير في الضياع يومين وليتين وثلاثة أيام ولياليهن؟ فكتب: التقصير في مسير يوم وليلة؛

زکریا بن آدم از امام رضا (ع) دو باره تقصیر سؤال کرد که انسان در چه مقدار نماز را شکسته می خواند، وقتی در کشتزارهای اهل بیتش باشد و می تواند فاصله کشتزارها را دو شبانه روز [یا تند رفتن] یا سه شبانه روز [یا کند رفتن] طی کند؟ امام نوشت: تقصیر در مسیر یک شبانه روز است. ۱۶

نکته مهم: اگر هشت فرسخ ملاک است، چرا از آهسته یا تند رفتن سؤال شده و چرا امام جواب را با هشت فرسخ بیان نکرده، بلکه مسیر یک روز را بیان کرده است؟

۵. صحیحہ ابی ایوب از امام صادق (ع):

سالته عن التقصير، قال: فقال: في بریدین او بیاض يوم. ۱۷

۶ و ۷. موثقة سماعه<sup>۱۸</sup>:

۱۵. همان، حدیث ۴.

۱۶. در ادامه بحث، روی یک روز، یک شبانه روز و امثال آن بحث خواهد شد.

۱۷. وسائل الشیعه، باب اول از ابواب صلاة المسافر، حدیث ۷.

۱۸. هر دو حدیث مثل هم است و فقط بعضی راویان دو سند متفاوت می باشد. زرعه و سماعه واقفی هستند: (رجال طوسی و رجال کشی). پس حدیث، موثق است.

قال: سألته عن المسافر: في كم يقصر الصلاة؟ فقال: في مسيرة يوم وذلك  
بريدان وهي ثمانية فراسخ. ١٩

در این دو حدیث ابتدا ملاک مسیر یک روز بیان شده و بعد واو تفسیری آمده و  
سپس ملاک هشت فرسخ بیان شده است؛ یعنی مسیر یک روز همان هشت فرسخ  
است. به عبارت دیگر، ملاک اصلی، مسیر یک روز است و ملاک فرعی یا مصداق  
آن اصل، هشت فرسخ است.

٨. صحیحہ<sup>٢٠</sup> ابی بصیر، از امام صادق(ع):

قال: لا بأس<sup>٢١</sup> للمسافر ان يتم [الصلاة] في السفر مسيرة يومين؛<sup>٢٢</sup>

مسافر در سفری که مدت آن دو روز<sup>٢٣</sup> است، باید نمازش را تمام بخواند.

کلمه «الصلاة» در وسائل وجود دارد، ولی در منبع اصلی؛ یعنی تهذیب (ج ٣،  
ص ٢٠٩) و استبصار (ج ١، ص ٢٢٥) وجود ندارد. به علاوه، کلمه «السفر» در  
وسائل به صورت «سفره» است، ولی در تهذیب به صورت «السفر» و در استبصار به  
صورت «في السفر» آمده است.

١٩. وسائل الشیعه، باب اول از ابواب صلاة المسافر، حدیث ٨ و ١٣.

٢٠. ابوجمیله، همان مفضل بن صالح است: (رجال کشی، تحقیق: حسن مصطفوی،  
ص ٢٨٨؛ معجم الثقات، ص ٢٠٣) و از اصحاب امام صادق(ع) است: (رجال طوسی،  
ص ٣٣٩). در ثقه بودن او صحیحتهایی وجود دارد و کلام مقبولی که در این زمینه وجود  
دارد، کلام تهذیب المقال، (ج ٥، ص ٨٨-٨٩) است و بر این اساس ابوجمیله موثق بوده  
و حدیث مورد بحث صحیح است.

٢١. جمله «لا بأس» مثل «لا جناح» و «لیس جناح» است که علاوه بر معنای «ندارد»، در بعضی  
موارد به معنای وجوب است؛ مثل: «و إذا ضربتم فی الارض فلیس علیکم جناح أن تقصروا  
من الصلوة» (سوره نساء، آیه ١٠٠)؛ «و موقعی که در زمین سفر کردید، پس بر شما واجب  
است که نماز [های چهار رکعتی] را کوتاه کنید [و دو رکعتی بخوانید]».

٢٢. وسائل الشیعه، باب اول از ابواب صلاة المسافر، حدیث ٩.

٢٣. به احادیث دسته چهارم از مقدار مسیر زمانی توجه شود.

حدیث دو پیام دارد: یکی دلالت بر مسیر یوم دارد و دیگری دلالت بر دو روز که در «مقدار مسیر زمانی» تبیین خواهد شد.

۹. صحیحۃ ابی بصیر از امام صادق (ع)

قال: قلت لابی عبدالله(ع): فی کم یقصر الرجل؟ قال: فی بیاض یوم او بریدین. ۲۴

در این دو حدیث، مقدار سفر شرعی، «بیاض یوم» یا «دو برید» ذکر شده است. «بیاض یوم» بر همان بُعد زمانی دلالت دارد و «دو برید» مربوط به بُعد مکانی است.

توجه شود که در احادیث ۳، ۶، ۷ و ۹ هر دو ملاک، استعمال شده و ابتدا مسیر روز و سپس برید آمده است.

۱۰. صحیحۃ عبد الرحمن بن الحجاج از امام صادق (ع): ۲۵

قال: قلت له: کم أدنی ما یقصر فی الصلاة؟ قال: جرت السنة ببياض يوم. فقلت له: إن بياض يوم يختلف، يسير الرجل خمسة عشر فرسخاً في يوم و يسير الآخر أربعة فراسخ و خمسة فراسخ في يوم. قال: فقال: أنه ليس إلى ذلك ينظر، اما رأيت سير هذه الأثقال (الامبال) بين مكة و المدينة، ثم أوما بيده أربعة و عشرين ميلاً يكون ثمانية فراسخ؟

عبد الرحمن بن حجاج به امام صادق (ع) گفت: حداقل مقداری که در آن، نماز شکسته می شود، چقدر است؟ امام فرمود: سنت به روشنایی روز است. پس به امام گفت: [مقدار حرکت در] روشنایی روز فرق می کند؛ آدمی در یک روز پانزده فرسخ، در روز دیگر چهار فرسخ و در روز دیگر پنج فرسخ حرکت می کند. امام فرمود: به این تفاوتها توجه نمی شود. به

۲۴. وسائل الشیعه، باب اول از ابواب صلاة المسافر، حدیث ۱۱.

۲۵. همان، حدیث ۱۵.

حرکت این کاروانها بین مکه و مدینه نگاه کن . سپس با دستش اشاره کرد که

۲۴ میل ، هشت فرسخ است .

در این حدیث مقدار سفر شرعی «بیاض یوم» ذکر شده که برابر با هشت فرسخ

اعلام شده است . علاوه بر آن ، دو نکته وجود دارد :

نکته اول : در این حدیث ، عبارت «جرت السنّة ببیاض یوم» آمده است ، چرا

نفرمود : «جرت السنّة بیریدين»؟!

نکته دوم : برای جلوگیری از بعضی توهمات ، سؤال شده : سرعت

وسیله های نقلیه متفاوت است ، امام هم جواب داده است : به این موارد مختلف و

غیر رایج توجهی نمی شود ؛ ملاک قافله های شتر است که وسیله رایج عموم مردم

است .

۱۱ . صحیحہ علی بن یقطين : ۲۶

سالتُ ابا الحسن الاول (ع) عن الرجل يخرج في سفره و هو في مسيرة يوم ،

قال : يجب عليه التقصير في مسيرة يوم و ان كان يدور عمله ؛

از امام كاظم (ع) در باره [تقصیر نماز و روزه] مردی که به سفر می رود و

مسیرش یک روزه است ، سؤال شد ، فرمود : تقصیر در مسیر یک روز بر او

واجب است ؛ اگر چه این کار را تکرار کند . ۲۷

نکته مهم : در این حدیث فقط مسیر یک روز بیان شده است ، در چنین حالتی

می توان گفت که مسیر یک روز موضوعیت ندارد؟! اگر موضوعیت ندارد ، پس

چرا امام شرط تقصیر را مسیر یک روز بیان کرده است؟

۲۶ . همان ، حدیث ۱۶ .

۲۷ . این روایت از نظر تکرار سفر قابل بررسی است . جمع این روایت با احادیث دیگر که تکرار

سفر را موجب عدم تقصیر بیان کرده اند ، در محل خودش انجام خواهد شد .

۲۸ . در سند حدیث ، علی بن الحسن بن فضال قرار دارد که فطحی است : ( فهرست طوسی ،

ص ۹۲) . بنابراین حدیث موثق است .

۱۲ . موثقه<sup>۲۸</sup> محمد بن مسلم از ابی جعفر(ع):<sup>۲۹</sup>

قال: سألته عن التقصير، قال: قلت: في برید، قال: قلت: برید؟ قال:

إنه إذا ذهب بریداً ورجع بریداً، فقد شغل يومه؛

از امام باقر(ع) درباره کوتاه شدن نماز پرسیدم، فرمود: در یک برید شکسته

است. عرض کردم یک برید [برود؟!]. فرمود: یک برید برود و یک برید

برگردد [تا جمعاً دو برید شود]؛ پس تمام روز او را پر می کند.

در این حدیث مجموع مقدار سفر را دو برید می داند و مهم تر اینکه می گوید

این مسافت سبب می شود که در تمام روزش مشغول سفر باشد. به عبارت دیگر،

با این سفر یک روز او پر می شود.

چرا دو برید را با «یک روز اشغال کردن» سنجیده است؟ آیا جز این است که

فرع را با اصل مقایسه کرده تا ابهام برطرف شود؛ چنان که برای صحت حدیثی، آن

را به آیات قرآن عرضه می کنیم؟ قرآن اصل و حدیث فرع بر آن است. در اینجا نیز

«مسیر یک روز» اصل و هشت فرسخ فرع است.

اگر هشت فرسخ اصل بود، باید بفرماید: یک روز راه رفته و چون هشت

فرسخ است، باید قصر بخواند، ولی کلام امام عکس این است. پس هشت

فرسخ، فرع است و جنبه زمانی یا مسیر یک روز اصل است.

۱۳ . صحیحہ معاویة بن عمار: <sup>۳۰</sup>

أنه قال لابي عبد الله(ع): إن أهل مكة يَتَمَوَّنُ الصلاة بعرفات. فقال(ع):

ويلهم او ويحهم و أي سفر اشد منه؟ لا، لا، لاتتم؛

معاویة بن عمار به امام صادق(ع) گفت: اهل مکه نمازشان را در عرفات

تمام می خوانند. امام فرمود: وای بر آنها [نباید نماز را تمام بخوانند!] کدام

۲۹ . وسائل الشیعه، باب دوم از ابواب صلاة المسافر، حدیث ۹.

۳۰ . همان، باب سوم از ابواب صلاة المسافر، حدیث ۱.

سفر از آن سخت تر است؟ در عرفات نماز تمام نیست.

مقدس اردبیلی فرموده است:

مقتضای جمله «كان عليهم التقصير» و «ويلهم» وجوب عینی است.<sup>۳۱</sup>

محقق بحرانی (م ۱۸۶ ق) در الحدائق الناضرة (ج ۱۱، ص ۳۲۳) در تقریب

استدلال چنین فرموده است:

تعدادی از روایات، متضمن نهی از اتمام و امر به تقصیر است؛ یعنی بیانگر

آن است که حقیقت تحریم، اتمام و حقیقت در وجوب قصر است؛ مثل:

«ای سفر اشدّ منه؟» و «ویلهم او ویحهم» که در توییح افرادی است که نماز

را تمام می خوانند، بدین بیان که گویا آنان با رسول خدا حج به جا آورده اند،

پس چه دلیلی از این ظاهرتر و روشن تر است در جایی که فقها در احکام

واجب یا حرام به خبر واحد اکتفا می کنند.

۱۴. صحیحیه دیگری از معاویه بن عمار که مثل حدیث قبل است و فقط به

جای «لاتتم» عبارت «لاتتموا» را دارد.<sup>۳۲</sup>

۱۵. مرسله مفید:<sup>۳۳</sup>

قال(ع): ويل لهؤلاء الذين يتمون الصلوة بعرفات اما يخافون الله؟ فقيل له:

فهو سفر؟ فقال(ع): و اي سفر اشدّ منه؟

امام(ع) گفت: وای بر آن کسانی که نمازشان را در عرفات تمام می خوانند.

آیا از خدا نمی ترسند؟ پس به امام گفته شد: آن سفر است؟ امام فرمود:

کدام سفر از آن سخت تر است؟

۱۶. یکی از اصحاب از امام صادق(ع) سؤال کرد:

۳۱. مجمع الفائدة و البرهان، ج ۳، ص ۳۶۳.

۳۲. وسائل الشیعه، باب سوم از ابواب صلاة المسافر، حدیث ۲.

۳۳. همان، حدیث ۱۲.

الرجل يخرج إلى الصيد مسيرة يوم أو يومين يقصر أو يتم؟ فقال: إن خرج لقوته و قوت عياله فليفطر وليقصر...؛<sup>٣٢</sup>

مردی که [از منزل به اندازه] یک روز یا دو روز خارج می شود، نماز را شکسته بخواند یا تمام؟ پس امام فرمود: اگر برای قوت خود و عیالش باشد، باید افطار کند و نماز را شکسته بخواند.

این روایت، اگر چه مرسله است، ولی فقها به آن فتوا داده اند.<sup>٣٥</sup>

١٧. صحیحہ محمد بن مسلم<sup>٣٦</sup>:

سئل الصادق(ع) عن الرجل يخرج شیع أخاه مسيرة يومين أو ثلاثة، فقال:

إن كان في شهر رمضان فليفطر؛

از امام صادق(ع) در باره مردی سؤال شد که برادرش را به اندازه مسیر دو روز یا سه روز مشایعت می کند. امام فرمود: اگر در ماه رمضان است باید افطار کند.

١٨. صحیحہ<sup>٣٧</sup> زرارہ از ابی جعفر(ع):

سألته عن الرجل يشیع أخاه اليوم و اليومين في شهر رمضان، قال: يفطر و

٣٤. همان، باب نهم از ابواب صلاة المسافرين، حدیث ٥.

٣٥. شیخ صدوق در من لایحضره الفقیه، (ج ١، ص ٤٥٢، ح شماره ١٣١٠) و علامه در نهایت الاحکام (ج ٢، ص ١٨٢) فرموده است: «وجب القصر في الصلاة و الصوم إجماعاً لقول الصادق(ع): إن خرج لقوته و قوت عياله فليفطر وليقصر» مجمع الفائدة و البرهان، ج ٣، ص ٣٨٢.

٣٦. وسائل الشیعه، باب دهم از ابواب صلاة المسافرين، حدیث ٣؛ من لایحضره الفقیه، ج ٢، ص ١٤٠. روایان این حدیث در فقیه مشخص نشده و مع ذلك حدیث صحیح است و شیخ صدوق به آن فتوا داده است. همین حدیث در کافی کلینی نیز نقل شده و روایان آن مشخص و ثقہ هستند، پس سند صحیح است.

٣٧. «و كذلك نقلوا اصحاب الاجماع على تصحيح ما يصح من ابان بن عثمان مع كونه فطحياً»: (بھیجة الآمال، ج ١، ص ٤٤٠).

يقصّر، فإن ذلك حقّ عليه؛<sup>۳۸</sup>

از امام باقر (ع) درباره مردی سؤال شد که برادرش را در ماه رمضان به اندازه مسیر دو یا سه روز مشایعت می‌کند. امام فرمود: باید افطار کند و نماز را قصر بخواند؛ زیرا این تقصیر بر او واجب است.

۱۹. روایت سعید بن یسار<sup>۳۹</sup>:

قال: سألت أبا عبد الله (ع) عن الرجل يشيع أخاه في شهر رمضان فيبلغ مسيرة يوم أو مع رجل من إخوانه، أي فطر أو يصوم؟ قال (ع): يفطر.<sup>۴۰</sup>

سند این حدیث ضعیف است، ولی ضعف آن با روایات صحیح این بحث جبران می‌شود.

۲۰. موثقه زراره<sup>۴۱</sup> از امام باقر (ع):

قال: قلت: الرجل يشيع أخاه في شهر رمضان اليوم و اليومين، قال (ع): يفطر و يقضي.<sup>۴۲</sup>

این حدیث نیز مثل احادیث ۱۶ و ۱۷ مقدار را بر حسب «یوم» بیان کرده است.

۲۱. التقصير في الصلاة يريد في أربعة وعشرون ميلاً و لانه رخصة

للمشقة و لامشقة مع القلة؛<sup>۴۳</sup>

۳۸. وسائل الشیعه، باب دهم از ابواب صلاة المسافر، حدیث ۴.

۳۹. در سند حدیث، عمر بن حفص هست که توثیق ندارد: (معجم رجال الحدیث، ج ۱۳، ص ۲۶). به علاوه، بین چهار نفر مشترك است: (ر. ك: همان، ص ۳۰).

۴۰. وسائل الشیعه، باب دهم از ابواب صلاة المسافر، حدیث ۷.

۴۱. حمید بن زیاد، ثقه و واقفی است: (رجال نجاشی، ش ۳۳۹)، پس حدیث موثقه است. «عدة من اصحابنا» در اسناد کلینی نیز اعتبار دارد. توضیح ابان بن عثمان در پاورقی ۳۷ بیان شد.

۴۲. وسائل الشیعه، باب دهم از ابواب صلاة المسافر، حدیث ۸.

۴۳. علامه حلی در تذکرة الفقهاء، چاپ قدیم، ج ۱، ص ۱۸۸ و چاپ جدید، ج ۴، ص ۳۶۸ و ۳۶۹: من طریق الخاصة. علامه به استناد این حدیث، فتوا داده است، بنابراین حدیث معتبر است.



تقصیر در نماز، دو برید یا ۲۴ میل است و این (تقصیر و کم شدن نماز) برای آسان شدن تکلیف و به هنگام مشقت است و با سفر کم (کوتاه)، مشقت نیست.

۲۲. لا یحلّ لامرأة تؤمن بالله و الیوم الآخر أن تسافر مسیرة یوم ولیة الامع ذی محرم ۴۴؛

بر زنی که به خدا و آخرت ایمان دارد حلال نیست که مسافرتی کند که به اندازه یک روز باشد، مگر اینکه با محرم باشد.

محقق در معتبر این روایت را دلیل مسیر یک روز بیان کرده است.

### بررسی و نتیجه گیری

اینک پس از نقل این ۲۲ حدیث، با نگاهی عمیق تر، موضوعات مورد بحث را که شامل یک موضوع اصلی و سه موضوع فرعی است، بررسی می کنیم:

#### ۱. ملاک اصلی «مسیر و بعد زمانی»

بیست و دو حدیث، ملاک سفر شرعی را به لحاظ زمانی مشخص کرده اند و بر اساس نه دلیل ملاک اصلی «مسیر یک روز» است و بیان مقدار مسافت، به منظور تطبیق ملاک با شرایط آن زمان بوده است.

#### دلیل اول

از کاربرد لام تعلیل: در حدیث اول معلوم می شود که علت ارائه بعد مکانی (هشت فرسخ) این بوده که همان «مسیر یوم» است. به عبارت دیگر، هشت فرسخ تطبیق با ملاک اصلی (بعد زمانی) است: «لأن ثمانية فراسخ، مسیرة یوم». در فقره دوم حدیث اول چنین آمده است:

۴۴. المعتبر فی شرح المختصر، ج ۲، ص ۴۶۵ به نقل از سنن بیهقی، ج ۳، ص ۱۳۹.

در مسیر یک روز تقصیر (نماز شکسته) واجب است؟ [امام رضا (ع) جواب داد: ] اگر در یک مسیر یک روز تقصیر واجب نمی شد، در مسیر هزار سال هم واجب نخواهد بود؛ زیرا هر روز بعدی مانند روز قبلش است، پس هر روز مثل امروز است. بنابراین اگر تقصیر در امروز واجب نشود، در نظیر آن نیز واجب نخواهد شد، با وجود آنکه روزها مثل یکدیگر هستند و هیچ فرقی با هم ندارند. این دلیل و تعلیل از ناحیه خود معصوم است. با این بیان امام، چگونه می توان ادعا کرد که هشت فرسخ موضوعیت دارد؟

### دلیل دوم

واو تفسیر در باب ۱، ح ۱۳ (صحیحہ سماعه): «في مسيرة يوم وهي ثمانية فراسخ»، و در باب ۱، ح ۸ (صحیحہ سماعه): «في مسيرة يوم وذلك بریدان وهي ثمانية فراسخ».

ملاك اصلی «مسیره یوم» است و سپس با واو تفسیر توضیح داده شده که مصداق این ملك اصلی، همان هشت فرسخ است. به عبارت دیگر، هشت فرسخ و امثال آن، تطبیق مصداق مکانی با ملك زمانی و برای فهم مردم بوده است. این تفسیر، بدون ذکر واو تفسیری در حدیث ۹، باب ۲ بیان شده است: «دو برید، تمام روز را پر می کند».

### دلیل سوم

کلمه «او» در روایات (باب ۱، ح ۷ و ۱۱) حکایت از این دارد که در آن زمان مسیری یک روز، همان هشت فرسخ بوده است، خصوصاً اینکه در حدیث (باب ۱، ح ۸) آمده: «في مسيرة يوم وذلك بریدان وهي ثمانية فراسخ؛ مسیری یک روز، دو برید و همان هشت فرسخ است».

در گذشته دو تعبیر «مسیر یک روز و هشت فرسخ» و امثال آن با هم منطبق بودند، ولی امروزه تفاوت بسیار دارند. بعضی مانند آقای مرحوم آیت الله خوئی<sup>۲۵</sup>

می فرمایند: روایات مربوط به مسیر یک روز موضوعی ندارد. آیا با توجه به احادیث شماره ۵ و ۹ که کلمه «أو» بین «مسیرة یوم» و «بریدین» آمده، می توان گفت دو کلمه مساوی، یکی موضوع دارد و دیگری ندارد؟

#### دلیل چهارم

احادیث ۲ و ۱۰ ملاک قصر سفر را قطار شتران قرار داده است. بدیهی است، مسیر زمانی مربوط به نوع وسیله است. اگر فقط هشت فرسخ ملاک بود و مسیر یک روز ارزشی نداشت، وسیله سفر مطرح نمی شد.

#### دلیل پنجم

احادیث ۳، ۴، ۸، ۱۱، ۱۶ - ۲۰ و ۲۲ که جمعاً ده حدیث می شود، ملاک قصر سفر را مسیر یک روز قرار داده اند و اگر در بعضی احادیث هم هشت فرسخ بیان شده، در این احادیث مسیر یک روز یا به تنهایی و یا همراه با هشت فرسخ آمده است و در هر حال، این احادیث بیانگر مسیر یک روز است؛ اگر چه تمام ۲۰ حدیث هر کدام به نوعی مسیر یک روز را ثابت می کنند.

#### دلیل ششم

حدیث ۱۲ با عبارت: «فقد شغل یومه» مسیر یک روز را ثابت می کند. این شش دلیل، نقلی اند و هر کدام به نوعی مسیر یک روز را ثابت می کنند.

#### دلیل هفتم

این دلیل، همان مشقت و خستگی سفر است که در مقام بیان علت قصر نماز در سفر ذکر شده است؛ چون در قدیم، هشت فرسخ برابر بوده با یک روز حرکت خسته کننده و از این رو نیاز به تسهیل و تخفیف بوده است.

۴۵. مستند العروة الوثقی، کتاب الصلاة، ج ۸ ص ۱۹: «فلیس مسیر الیوم أو بیاض النهار أو شغل الیوم بعناوتها موضوعاً للحکم حتی یطبقه الامام (ع) علی المسافة التلیفیکیة و لو بنحو الحکومة بل المراد السفر الذی یكون شاعلاً للیوم و لو شأناً المنطبق علی ثمانية فراسخ ...».

این تعلیل (مشقت و خستگی) در آیه ۱۸۵ سوره بقره، روایات مختلف و کلمات فقها آمده است.

اما در قرآن کریم علت رفع روزه در سفر، وجود عسر ذکر شده است؛ چنان که خداوند در سوره بقره، آیه ۱۸۵ می فرماید:

من كان مريضاً أو على سفرٍ فعِدَّةٌ من أيامٍ اخر يريد الله بكم اليسر ولا يريد بكم

العسر. ۴۶

خداوند علت رفع تکلیف روزه مریض و مسافر را سختی و عسر بیان کرده است. عسر و حرج یکی از قواعد مسلم فقهی و علت رفع حکم است و بیان حکمت نیست.

بین نماز و روزه مسافر تلازم هست؛ یعنی هرکجا نماز قصر شود، روزه هم برداشته می شود و بالعکس هرکجا روزه برداشته شود، نماز هم قصر می شود. ۴۷ از این رو، بیان علت در آیه شریفه گرچه در مورد روزه است، ولی شامل نماز هم می شود.

حال سؤال این است که آیا هشت فرسخ رفتن با وسایل نقلیه امروزی صدق «سفر با مشقت» می کند تا خداوند حکیم و صاحب لطف بخواهد این مشقت را بردارد؟ آیا این هشت فرسخ با وسایل نقلیه امروزی نه تنها عسر ندارد، بلکه به عکس سبب نشاط و عامل رفع خستگی می شود؛ مثل کسانی که برای تفریح و رفع خستگی به سبزه زارهای اطراف شهر می روند؟

۴۶. «هر کس مریض یا در سفر باشد، [نباید روزه بگیرد و] به تعداد روزه هایی که نگرفته است، باید از ماههای دیگر (غیر رمضان) روزه بگیرد. خداوند برای شما آسانی را خواسته و تکلیف مشکل را برداشته است.»

۴۷. موارد استثنا هم وجود دارد؛ مثل سفر بعد از ظهر که نماز قصر می شود، ولی روزه را باید گرفت.

نکته در خور توجه آن است که فهم عرفی در مورد عسر و حرج مریض، عسر و حرج شخصی است؛ یعنی هر شخصی (نه نوع افراد) که مریض شود، در حدی که نتواند روزه بگیرد، نباید روزه بگیرد، ولی در مورد مسافر، عسر و حرج نوعی است؛ یعنی اگر سفری برای نوع افراد مشقت داشته باشد، در چنین سفری برای تمام افراد مکلف نماز شکسته است؛ هر چند برای بعضی اشخاص سختی نداشته باشد.

بنابراین هشت فرسخ رفتن در سفرهای امروزی که برای نوع افراد مشقت ندارد، طبق دلالت آیه شریفه تمام مکلفان باید روزه بگیرند و نماز را تمام بخوانند.

الف) از روایات مربوط به این دلیل به سه مورد اشاره می‌کنیم:

الف) در صحیحہ معاویة بن عمار (حدیث ۱۳) آمده است:

أَنَّهُ قَالَ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع): إِنَّ أَهْلَ مَكَّةَ يَتَمَوَّنُ الصَّلَاةَ بِعِرْفَاتٍ، فَقَالَ (ع):

وَيَلْهَمُ أَوْ وَيَجْهَمُ وَأَيُّ سَفَرٍ أَشَدُّ مِنْهُ؟ لَا تَتَمُّ؛

معاویة بن عمار به امام صادق (ع) گفت: اهل مکه نمازشان را در عرفات

تمام می‌خوانند. امام (ع) فرمود: وای بر آنها [نباید نماز را تمام بخوانند]

کدام سفر از آن سخت‌تر است؟ در عرفات نماز تمام نیست.

ب) در صحیحہ دوم معاویة بن عمار (حدیث ۱۴) نیز مشابه این مطلب آمده

است.

ج) در فقره سوم حدیث اول، امام رضا (ع) در پاسخ به سؤالی در باره علت

شکسته شدن نماز جواب داد: [نماز واجب ابتدا ده رکعت بود و بعد هفت رکعت

به آن اضافه شد. پس خداوند آن اضافه را در سفر به خاطر سختیها و خستگیهای

سفر و اشتغال انسان به امور مربوط به سفر مانند کوچ کردن و اقامت تخفیف داد تا

مسافر فارغ البال باشد.

(د) در حدیث شماره ۲۱، امام صادق(ع) فرمود:

تقصیر در نماز، دو برید یا ۲۴ میل است و این (تقصیر و کم شدن نماز) برای آسان شدن تکلیف و به هنگام مشقت است و با سفر کم (کوئاه)، مشقت نیست.

کلمات فقها نیز مؤید همین مطلب است. علامه حلی برای سفر در مسافت هشت فرسخ می فرماید:

فحصلت المشقة المبيحة للقصر؛<sup>۴۸</sup>

پس با سفر هشت فرسخی، مشقتی حاصل می شود که قصر را مباح می کند.

همچنین می فرماید:<sup>۴۹</sup>

مسافت، شرط در قصر است، پس بر حسب اجماع در سفر کم، تقصیر جایز نیست.

حال در زمان ما، آیا نیم ساعت حرکت با اتوبوس، مسافرت به شمار می رود و کسی را خسته می کند؟ در قدیم، در یک روز هشت فرسخ می پیموده اند، اما اکنون که در نیم ساعت هشت فرسخ می پیمایند، می توان گفت به سفر می روند چه رسد به سفرهایی که مدت کمتری دارد؟!

دلیل هشتم

در گذشته مسیر یک روز معادل هشت فرسخ بوده است، ولی در زمان ما چنین نیست. از این دو ملاک - مسافت، مسیر یک روز - کدام اصل و کدام فرع است؟

ممکن است کسی بگوید: مقیاس هشت فرسخ، اندازه مشخص دارد، ولی

۴۸. تذکرة الفقهاء، چاپ جدید، ج ۴، ص ۳۷۰.

۴۹. نهاية الأحكام، ج ۲، ص ۱۶۸.

سیر یک روز نامشخص است؛ چون مقدار روز در هر منطقه مثل ایران، عربستان، کشورهای استوایی و کشورهای قطبی و ... و نیز مقدار روز در ایام سال، هر چند از یک شهر باشد، متفاوت است، به علاوه، سرعت وسیله نقلیه در آن مؤثر است.

اما باید توجه داشت:

اولاً، انس با مفهوم هشت فرسخ در طول قرنهای گذشته سبب شده تا آن را بسیار آشنا و روشن بدانیم، اما انس داشتن، غیر از واقعیت است.

ثانیاً، مهم این است که ملاک را خود معصوم مشخص کرده و در بیست روایت صریحاً بیان شده که ملاک سفر مسیر یک روز است. از آنجا که مسیر یک روز با وسایل نقلیه مختلف متفاوت است، در فقره چهارم حدیث اول فرموده: مسیر قافله ملاک است؛ چون وسیله عمومی و رائج است، در حدیث دوم فرموده: مسیر قافله شتر را باید در نظر گرفت، نه حیوان تندرو را و در حدیث دهم نیز مشابه همین بیان را فرموده است.

وقتی خود ائمه ملاک اصلی را «مسیر یک روز» اعلام و هشت فرسخ را به عنوان مصداق ملموس آن ذکر کرده‌اند، دیگر جای چه سؤالی است؟ اگر روشن بود که هشت فرسخ ملاک اصلی است، چرا در این روایات، یک روز بیان شده است؟

حرکت قافله‌ها در گذشته مشخص بوده، بدین شکل که ساریانها، شتران را در هر روز دو منزل سیر می‌دادند و هر منزل یک برید نامیده می‌شد. در حالت عادی، چه در روزهای بلند و چه در روزهای کوتاه نه بیشتر از آن سیر می‌دادند و نه کمتر. اگر همین شیوه را در زمان کنونی اجرا کنیم، مسیر یک روز مشخص می‌شود و مصداق ملموس آن نیز بر حسب کیلومتر روشن می‌گردد و با ارقام جدید، هر دو ملاک با هم منطبق خواهد بود.

### رفع شبهه

ممکن است گفته شود: در هیچ کدام از روایات، اکتفا به بعد زمانی نشده است و امام خود ابتدائاً و بدون سؤال، بعد زمانی را ملاک قرار نداده است، پس بعد زمانی ملاک اصلی نیست.

جواب می‌دهیم: روایات شماره ۲، ۳، ۸، ۹، ۱۰، ۱۲، ۱۳، ۱۴ و ۲۲ چنین نیست، خصوصاً حدیث ۸ که فقط مسیر یوم را بدون ذکر بعد مکانی بیان کرده است. در روایات ۶، ۷، ۹ و ۱۰ سؤال کننده از روز سؤال نکرده، بلکه سؤال کلی کرده است، و با این حال، امام هر دو ملاک (روز و برید) را بیان داشته است. در حدیث ۱۲ نیز سؤال کلی بوده، و با وجود این، امام در توضیح فرموده است: «فقد شغل یومه».

از طرف دیگر، همه فقهای که هشت فرسخ را شرط تقسیر دانسته‌اند، فرموده‌اند هشت فرسخ را در یک روز برود.

اندازه «مسیره یوم» در متون تاریخی نیز به عنوان واحد پیمایش مسافت بین شهرها، فراوان به کار رفته است؛ از جمله:

رسول خدا (ص) برای هجرت از راه ساحل به مدینه رفت که بیشتر از مسافت راه معمول بود و نه روز طول کشید. عمادزاده فاصله آن زمان مکه تا مدینه را ۸۵ فرسخ<sup>۵۰</sup> بیان کرده است.

امام حسین (ع) از مدینه تا مکه را در شش روز طی کرد<sup>۵۱</sup>؛ یعنی آن حضرت روزی ۱۲/۵ فرسخ حرکت کرده که سریع تر از معمول بوده و به علاوه، شبها نیز حرکت می‌کرده است.

۵۰. تاریخ جغرافیایی مکه معظمه، حسین عمادزاده، ص ۳۳۹.

۵۱. ارشاد مفید، ج ۲، ۳۴.



ذو‌خشب تا مدینه مسیر یک روز و برابر با دو برید یا هشت فرسخ بوده است.<sup>۵۲</sup>

معجم البلدان بسیاری از مسیرها، خصوصاً مسیرهای طولانی را با مسیره یوم و مسیره ایام مشخص کرده است؛ مثل: بحرین تا یمامه: ده روز، بحرین تا بصره: پانزده روز، اربل تا بغداد: ۷ روز.

در قدیم هر دو منزل را یک «مرحله» می‌گفته‌اند که مسیر یک روز بوده است و در<sup>۵۳</sup> کتب مختلف از جمله معجم البلدان (ج ۵، ص ۸۷ و ۸۸) به کار رفته است؛ مثل: مکه تا مدینه ده مرحله، کوفه تا مدینه بیست مرحله، بحرین تا مدینه پانزده مرحله، بصره تا مدینه هجده مرحله، دمشق تا مدینه بیست مرحله، فلسطین تا مدینه از ساحل بیست مرحله و از کوفه تا مکه ۲۷ مرحله است.<sup>۵۴</sup>

#### نکته

انتخاب منزلها و مرحله‌ها دقیقاً بر حسب هشت فرسخ نبوده است، بلکه شرایط دیگر هم مورد توجه قرار می‌گرفته؛ مثلاً فاصله مدینه تا کوفه، برابر فاصله مدینه تا بصره و به اندازه چهارصد میل<sup>۵۵</sup>، و مسافت مدینه تا کوفه بیست مرحله، مدینه تا بصره هجده مرحله<sup>۵۶</sup> و نیز فاصله مدینه تا مکه با ۲۵۵ میل، ده مرحله بوده است؛<sup>۵۷</sup> در حالی که در مقایسه با کوفه بایست ۱۲/۷۵ مرحله باشد. به همین جهت، در حدیث ۱۳ امام صادق(ع) فرمود: «سیر کاروان‌های میان مکه تا مدینه را ملاحظه کن».

۵۲. موسوعة التاريخ الاسلامي، محمد هادی یوسفی، ج ۲، ص ۱۱۶ که نقل علمی همان

مطالب حدیث ۴ باب ۱ است: «و هو مسیره یوم من المدینة یكون إليها بریدان».

۵۳. جواهر الکلام، ج ۱۸، ص ۸: کون المراد بالمرحلة، مسیره یوم.

۵۴. معجم البلدان، ج ۵، ص ۲۱۷.

۵۵. تاریخ جغرافیای مکه معظمه، حسین عمادزاده، ص ۳۳۹.

۵۶. همان.

۵۷. همان.

## ۲. مقدار مسیر زمانی

از ۲۲ حدیث مذکور، پنج حدیث (فقره سوم از حدیث ۱، ۲، ۱۳، ۱۴ و ۲۱) در مورد مقدار زمان پیامی ندارند و بیست حدیث دیگر، به لحاظ تعیین دقیق بعد زمانی، چهار دسته اند:

دسته اول. یک شبانه روز (یوم و لیلة): صحیحۃ زکریا بن آدم، (حدیث ۴)، مقدار مسیر، «یوم و لیلة» (شبانه روز) آمده است، نه روز بدون شب. بدیهی است که مراد از یوم، نهار است و نمی تواند به معنای شبانه روز باشد؛ چرا که شب در کنار آن آمده است.

دسته دوم. روز (یوم): فقرات اول، دوم و چهارم از حدیث اول و روایات ۳، ۶، ۷، ۱۱، ۱۲، ۱۶، ۱۹ و ۲۲ (جمعاً ۱۱ حدیث) در این دسته جای می گیرد. در این احادیث کلمه «یوم» به تنهایی ذکر شده و مثل حدیث شماره ۷، همراه لیله نیامده است.

این روایات معنای عملی شبانه روز را مشخص می کنند و نشان می دهند که اگر چه اصل شبانه روز است، ولی چون در قدیم کاروانها فقط در روز حرکت می کردند و شب به استراحت می پرداختند، در نتیجه عملاً از آن فقط به «روز» تعبیر می شد و از این جهت روایات دسته سوم (بیاض یوم) مبین دسته دوم اند و تصریح می کنند که مقدار مسیر «بیاض یوم» یا مقدار روشنایی روز است.

دسته سوم. بیاض یوم: این دسته شامل احادیث ۵، ۹ و ۱۰ می شود.

این سه حدیث ملاک را «سفیدی و روشنایی روز» و حرکت عموم مردم با وسایل رایج در آن زمان (قافله شتران) را در نظر گرفته است و بر این اساس آن را ۲۴ میل یا هشت فرسخ دانسته است.

در باره جمع این سه دسته روایات می گوئیم: روایات دسته سوم، مبین روایات دسته دوم هستند و هر دو دسته مقدار عملی سفر در یک روز را نشان

می دهند. بدیهی است این مقدار برای چهارپایان است و در زمان کنونی که مسافرت عموم مردم با اتوبوس است، همان یک شبانه روز است. برای روشن شدن اینکه اصل یک شبانه روز است، به فقره دوم از حدیث اول توجه شود که امام رضا(ع) در باره علت تقصیر در مسیر یک روز می فرماید: «اگر در یک مسیر یک روز تقصیر واجب نمی شد، در مسیر هزار سال هم واجب نخواهد بود؛ زیرا روز بعد مانند روز قبلش است. بنابراین اگر امروز تقصیر واجب نشود، در نظیر آن نیز واجب نخواهد شد، با وجود آنکه روزها مثل یکدیگر هستند و هیچ فرقی با هم ندارند».

آیا این روز است که همواره ثابت است و به منطقه و فصل ارتباطی ندارد یا شبانه روز چنین حالتی دارد؟ بدیهی است که شبانه روز چنین است. در قدیم معمولاً زمان حرکت روز بود و شب به استراحت می پرداختند. لذا در هر شبانه روز عملاً فقط در روز حرکت می کردند و از این رو، بیاض یوم سنت بوده، ولی در زمان ما رانندگان تمام شبانه روز را حرکت می کنند.

دسته چهارم. دو یا سه روز: دسته چهارم شامل احادیث ۸، ۱۷، ۱۸ و ۲۰ است. این چهار حدیث، علاوه بر اینکه بر ملائک شرعی سفر (روز) دلالت دارند، بر تعداد روز هم دلالت دارند. در این مورد حدیث اول حجیت ندارد؛ زیرا اولاً، دو روز بر خلاف روایات است. ثانیاً، گفته نماز را تمام بخواند؛ در صورتی که باید نماز را شکسته بخواند. این پیام موافق نظر حنفی هاست که مسیر سه روز را موجب قصر می دانند؛ لذا در سفر دو روزه نماز را باید تمام بخوانند.

در سه حدیث دیگر، از امام سؤال شده که در مسیر یک یا دو یا سه روز افطار کند؟ امام پاسخ مثبت می دهد. بدیهی است که در همه این سفرها نماز شکسته است و روزه را باید افطار کند.

این سه حدیث همانند بقیه احادیث باب یازدهم (نماز مسافر در وسائل) در باره

اهمیت مشایعت برادر دینی و ترجیح آن بر افطار است، حتی سه روز مشایعت و افطار را بلامانع می‌داند.

بنابراین هر چهار حدیث از جهت تعیین مقدار سفر شرعی خارج از بحث اند و سه دسته قبلی را تغییر نمی‌دهند.

حاصل آن سه دسته (جمع آنها بر حسب قواعد اصول)، در اصل یک شبانه روز است و بر حسب شرایط سفر در قدیم، یک روز (بیاض یوم) بوده است.

### ۳. نوع وسیله حرکت

ممکن است گمان شود که با هر وسیله‌ای سفر انجام پذیرد، فرقی نمی‌کند، ولی بر اساس روایات چنین نیست، بلکه ملاک رایج‌ترین وسیله عمومی سفر است که در زمان قدیم قافله شتر بود. از مجموع نکات ذیل که از احادیث استفاده می‌شود، می‌توان به این ملاک دست یافت:

- در دو فقره اوّل و چهارم حدیث اوّل و حدیث دهم، کلمات قوافل، اثقال، جمال و مکاری ذکر شده بود.

- در فقره چهارم از حدیث اوّل بیان کرده که مقدار حرکت حیوان فرق دارد؛ مثلاً سیر گاو چهار فرسخ، سیر اسب بیست فرسخ و قافله شتر هشت فرسخ در روز است. ملاک فقط قافله شتر است؛ زیرا «هو الغالب علی المسیر».

- در حدیث دوم، امام صادق(ع) فرمود پدرم می‌گفت: تقصیر، برای قاطر تندرو یا حیوان سریع السیر قرار داده نشده است، بلکه ملاک حرکت قطار شتران (قافله) است.

- در حدیث دهم ابن حجّاج به امام صادق(ع) می‌گوید: آدمی در یک روز پانزده فرسخ، در روز دیگر چهار فرسخ و در روز دیگر پنج فرسخ حرکت می‌کند. امام می‌فرماید: به این تفاوتها توجه نمی‌شود، به حرکت این کاروان‌های میان مکه

و مدینه نگاه کن .

در فقره اول از حدیث ۱ آمده است : للعامّة ؛ یعنی سیر عموم مردم . در قدیم ، سیر عموم مردم با قافله شتر بود و در موارد خاص به صورت انفرادی با الاغ یا اسب و یا پیاده حرکت می کردند .

#### نکته مهم

در ملاک زمانی ، مسافرت با وسیله نقلیه عموم مردم (در قدیم سیر با قافله شتر و در زمان ما مسافرت با اتوبوس) است و افرادی که با وسایل خاص مسافرت می کنند (در قدیم سفر با اسب و در زمان ما سفر با خودرو شخصی یا هواپیما) ، باید تابع مقدار زمانی باشند که حرکت وسایل عمومی می پیمایند .

#### ۴ . مقدار مسیر زمانی در عصر ما

همان طور که ملاحظه شد ، مقدار مسیر زمانی ، در اصل یک شبانه روز است<sup>۵۸</sup> . در گذشته عموم سفرها فقط در روشنایی روز انجام می گرفت ؛ زیرا خود وسایل نقلیه (شترها) نیاز به استراحت داشتند و علاوه بر آن ، جاده ها نا امن بود . از این رو ، ملاک در روایات «یک روز» و «روشنایی روز» بیان شده ، که مربوط به آن دوران است .

حال این ملاک در عصر ما چه مقدار است ؟ در این ایام ، «رایج ترین وسیله عمومی سفر» برای «عامه مردم» اتوبوس است که مسیرهای زیادی را با دویا سه راننده به طور شبانه روز حرکت می کند و سرعت متوسط<sup>۵۹</sup> آن ۷۳ کیلومتر در

۵۸ . در این خصوص به روایات مربوط به مقدار زمانی توجه شود ، به ویژه به حدیث شماره ۲ .  
۵۹ . حداکثر سرعت مجاز اتوبوس یکصد کیلومتر در ساعت است که با توجه به توقف ها و دیگر مسائل ، عملاً به طور متوسط ۷۳ کیلومتر در ساعت حرکت می کنند . حداکثر سرعت مجاز در اتوبانها بیشتر است که تأثیری در این محاسبات ندارد ؛ زیرا عموم جاده ها ، معمولی و غیر اتوبان هستند . همچنین سرعت در شب در جاده های معمولی بیست کیلومتر کمتر است که در مقدار متوسط منظور شده است .

ساعت است. پس در زمان ما متوسط حرکت در شبانه روز ۱۷۵۰ کیلومتر است که حاصل ضرب ۷۳ در ۲۴ ساعت است.

نمونه مسافتهای طولانی و زمان سیر اتوبوسها

برای روشن شدن نتیجه، مقدار مسافت و مدت سفر در مورد چهارده شهر از

رانندگان سؤال شد که این نتایج به دست آمد:

مسیر	مدت(ساعت)	مسافت(کیلومتر)	سرع متوسط (کیلومتر در ساعت)
مشهد- ارومیه	۲۷	۱۹۰۰	۷۰/۳۷
مشهد- خرمشهر	۲۶	۱۸۹۰	۷۲/۶۹
مشهد- مهران	۲۵	۱۸۲۰	۷۲/۸۰
کرمان- ارومیه	۲۴	۱۷۴۰	۷۲/۵۰
مشهد- بوشهر	۲۴	۱۷۰۰	۷۰/۸۳
مشهد- چابهار	۲۲	۱۶۵۰	۷۵/۰۰
تهران- زاهدان	۲۲	۱۵۹۰	۷۲/۲۷
مشهد- تبریز	۲۲	۱۵۵۰	۷۰/۴۵
مشهد- کرمانشاه	۲۰	۱۵۰۰	۷۵/۰۰
مشهد- بندرعباس	۲۰	۱۴۹۰	۷۴/۵۰
مشهد- شیراز	۲۰	۱۴۰۰	۷۰/۰۰
تهران- بندرعباس	۱۸	۱۳۵۰	۷۵/۰۰
قم- ارومیه	۱۴	۱۰۵۰	۷۵/۰۰
تهران- شیراز	۱۳	۹۵۰	۷۳/۰۷

میانگین سرعت در این چهارده شهر برابر با ۷۲/۸۲ کیلومتر می شود که می توان آن را به ۷۳ کیلومتر گرد کرد. پس مقدار سفر شرعی در عصر ما، ایک

شبانه روز» است (نه یک روز) که ۱۷۵۰ کیلومتر می شود (نه هشت فرسخ یا ۴۴ کیلومتر). ۱۷۵۰ کیلومتر تقریباً چهل برابر ۴۴ کیلومتر است.

نکته

بر اساس توضیحات مزبور، اگر وسیله نقلیه در شهری یا کشوری با شهر یا کشور دیگر فرق کند، یا کسی با وسیله نقلیه ای غیر از وسیله رایج عمومی مسافرت کند، باید مسافتی را در نظر بگیرد که مردم با وسیله نقلیه عمومی می پیمایند.

نتیجه عملی

مجموع مسیر سفر بر حسب بعد مکانی در گذشته هشت فرسخ بود و آنچه ضرورت دارد، این است که نصف آن (چهار فرسخ برابر ۲۲ کیلومتر) در رفت باشد. پس مجموع رفت و برگشت در گذشته هشت فرسخ یا ۴۴ کیلومتر بوده است، اما اینک مجموع رفت و برگشت ۱۷۵۰ کیلومتر می شود که مسیر رفت آن ۸۷۵ کیلومتر است.

نابرابری دو مقیاس برای سفر شرعی (بعد زمانی و بعد مکانی)، در زمان ما قطعی و دارای تفاوت فراوان است. بر اساس کدام منطق، ۱۷۵۰ کیلومتر برابر ۴۴ کیلومتر است. به ناچار باید یکی، اصل و همیشگی باشد و دیگری فرع و موقتی و متناسب با شرایط جاده ها و وسایل نقلیه، در روایات دیدیم که بعد زمانی (روز) اصل و بعد مکانی مصداق ملموس آن است که در قدیم با قافله شتر هشت فرسخ شرعی یا حدود ۴۴ کیلومتر بوده و در زمان ما، با اتوبوس ۱۷۵۰ کیلومتر است. در نتیجه، ملاک اصلی سفر شرعی، یک شبانه روز حرکت با وسایل نقلیه رایج برای عموم مردم است که مصداق آن در قدیم، یک روز (روشنایی روز) و به لحاظ مسافت، برابر با هشت فرسخ یا حدود ۴۴ کیلومتر بوده و در زمان ما، یک شبانه روز و به لحاظ مسافت، برابر ۱۷۵۰ کیلومتر است.

## نگاهی به کلمات فقها

۱. شیخ صدوق (م ۳۸۷ق) در منیع (ص ۱۲۵؛ ینابیع الفقهیه، ج ۳، ص ۶۲): «و الحدّ الذی یجب فیہ التقصیر، مسیره بریدین ذاهباً و جائیاً و هو مسیره یوم».

۲. محقق حلی (م ۶۷۶ق) در معتبر (ج ۲، ص ۴۶۵):

الشروط [فی صلاة المسافر] خمسة، الاول: المسافة وهي أربعة وعشرون ميلاً مسير يوم تامّ وهو مذهب علمائنا اجمع ... لنا: انّ مسير يوم یسمی سفرأ، فیثبت معه القصر. اما انّ مسير اليوم سفر فلقوله (ع): «لا یحلّ لامرأة تؤمن بالله و اليوم الآخر ان تسافر مسير يوم إلا مع ذی محرم»<sup>۶۰</sup> و لانّ القصر لو لم یثبت مسير يوم لمّا ثبت مع مازاد، لانّ مشقته تزول براحة اللیل.

در ص ۴۶۷:

المسألة: الفرسخ ثلاثة أمیال اتصافاً، لنا: إنّنا یبّتا انّ المسافة تعتبر بمسیر اليوم، و للایل بالسير العام و ذلك یشهد لما قلناه.

شرايع الاسلام (ج ۱، ص ۱۰۱؛ ینابیع الفقهیه، ج ۴، ص ۸۲۵ و ۸۲۶):

اعتبار المسافة و هی مسير يوم بریدان، اربعة و عشرون ميلاً ... . و لو كانت المسافة اربعة فراسخ و اراد العود لیومه فقد کمل مسير يوم و وجب التقصیر.

۳. علامه حلی (م ۷۲۷ق) در تذکره (ج ۴، ص ۳۶۹ و ۳۷۰):

إنما یجب التقصیر فی ثمانية فراسخ ... . و لاختلاف عندنا فی وجوب التقصیر فی الثمانية، لانّ سماعه سأله عن المسافر فی کم یقصر الصلاة؟ فقال: فی مسیره يوم و ذلك بریدان و هما ثمانية فراسخ ... . لانه حیث قد شغل یومه بالسفر، فحصلت المشقة المبیحة للقصر، و کذا غیرها من الروایات.

۶۰. سنن بیهقی، ج ۳، ص ۱۳۹، در مصدر «مسیره يوم و لیلة» آمده است.



علامه در تذكرة الفقهاء (ج ۴، ص ۳۷۱) عیناً همان مطالب صفحه ۴۶۷ معتبر را بیان کرده است. در نهاية الاحکام (ج ۲، ص ۱۶۸ و ۱۶۹) نیز آمده است:

و المسافة شرط في القصر، فلا يجوز في قليل السفر اجماعاً، لقوله عليه السلام: «يا اهل مكة لا تقصروا في ادنى من اربعة برد من مكة إلى عسفان»<sup>۶۱</sup> وقال الصادق(ع): «القصر في الصلاة بريد في بريد، اربعة وعشرون ميلاً»<sup>۶۲</sup> ولأن سبب الرخصة، المشقة، ولامشقة مع القلّة... و سئل الصادق(ع) عن القصر، قال: في بياض يوم أو بريدین<sup>۶۳</sup>.

همان مطالب محقق در معتبر را در منتهی المطلب (ط قدیم، ج ۱، ص ۳۸۹ و ۳۹۰) ذکر کرده است.

۴. شهید اول (م ۷۸۶ ق) در بیان (چاپ قدیم، ص ۱۵۴):

[الشرط] الثاني [في السفر] كون المقصود مسافة و هي مسيرة يوم بريدان، كل بريد اربعة فراسخ، كل فرسخ ثلاثة أميال ... .

در ذکری الشیعه (ص ۲۵۷) می گوید:

يقدر المسافة بثمانية فراسخ أو مسير يوم ... و اخبار شتى يتضمن أن أهل مكة يقصرون في سفرهم إلى عرفات و في بعضها ويلهم و ويحهم و أي سفر أشد منه لا يتمّ و اسناد هذه الاخبار كلها معتبرة فجمع الشيخان بينهما بالتخيير، قال الفاضل في بعض هذه الاخبار تصريح يتحتم القصر كخبر معاوية بن عمار الصحيح عن الصادق أن الذي فيه ويلهم - إلى آخره ... .

و لو لم يقن ذلك [كون المسافر] فإنّ مسير يوم كاف في الارض المعتدلة (ص ۲۵۹).

۶۱. سنن بیهقی، ج ۳، ص ۱۳۷. حدیث از پیامبر است. در مصدر «لا تقصروا الصلاة» آمده است. عسفان، بین مکه و مدینه قرار دارد و فاصله آن تا مکه سه مرحله [روز] است: (الجامع للشرایع، یحیی بن سعید حلّی، ص ۱۷۱).

۶۲. وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۴۹۱، ح ۳.

۶۳. همان، ص ۴۹۲، ح ۱۱.

در دروس (ج ۱، ص ۲۰۹) آمده است:

ويكفي مسير يوم مع الشك في النهار و السير المعتدلين، ولو لم يتفق و شك فلاقصر، ولو تعارضت البيتان، قصر.

۵. محقق کرکی (م ۹۴۰ ق) در رسائل (ج ۱، ص ۱۲۲) آورده است: «و يكفي مع الشك مسير يوم في النهار و السير المعتدلين». وی مشابه این کلام را در (ج ۳، ص ۲۴۹) نیز بیان کرده است.

۶. احمد بن فهد حلی (م ۸۴۱ ق) در المذهب البارع (ج ۱، ص ۴۸۰)

می گوید:

اقول: لا قصر فيما دون المسافة و يعلم بتقديرين: الف: بالزمان فيكفي مسير يوم للقنول و الحمول سيراً معتدلاً في النهار المعتدل، لأنه لو لم يجب في مسيرة يوم لم يجب في مسيرة سنة؛ لزوال المشقة براحة الليل و لصحيفة أبي أبي بصير قال: ... ۶۴ (ب): بالتقدير و هو ثمانية فراسخ.

۷. شهيد ثانی (م ۹۶۶ ق) در روض الجنان (طبع قدیم، ص ۳۸۳):

«انما يجب التقصير بستة شروط: [الأول] السفر إلى المسافة و هي ثمانية فراسخ... و قد ورد تقدير المسافة بثمانية فراسخ معللاً في خبر الفضل بن شاذان ... و قد علم من ذلك أن المسافة مسير يوم بسير الاثقال و لمّا كان ذلك يختلف باختلاف الارض و الازمنة و السير حمل على الوسط في الثلاثة فيعتبر من (في) الحيوان مسير الإبل لأنها الغالب في القوافل.

در الروضة البهية (ج ۱، ص ۳۶۹) آمده است:

و يجمعها مسير يوم معتدل الوقت و المكان و السير لاثقال الإبل؛ مسيريك

روز که روز و مکان معمولی و معتدل باشد و حرکت با کاروانهای باربری  
شتر باشد، با هشت فرسخ مطابق است. ۶۵

۸. سید محمد عاملی (م ۱۰۰۹ ق) در مدارك الاحكام (ج ۴، ص ۴۲۸)

آورده است:

أما الشروط، فسنة: الأول: اعتبار المسافة وهي مسيرة يوم، يريدان ...  
أجمع العلماء كافة على أن المسافة شرط في القصر وإنما اختلفوا في  
تقديرها، فذهب علماؤنا أجمع إلى أن القصر إنما يجب في مسيرة يوم تام  
بيريدين، أربعة وعشرين ميلاً، حكى ذلك جماعة منهم المصنف في المعتبر  
وتدلّ عليه روايات كثيرة ...

واستدلّ عليه في المعتبر (ص ۴۳۰ - ۴۳۲): بأن المسافة تعتبر بمسير اليوم و  
هو مناسب لذلك ... وينبغي التنبيه لأمر: الأول: تعلم المسافة بأمرين:  
الاعتبار بالأذرع و مسير اليوم ... و اعتبر المصنف في المعتبر والعلامة في  
جملة من كتبه [منتهى و تذكره] مسير الإبل السير العام و هو جيد، لأن ذلك  
هو الغالب فيحمل عليه الاطلاق و لقول الصادق (ع) في حسنة الكاهلي  
و... و اعتبر الشهيدان اعتدال الوقت و المكان و السير<sup>۶۶</sup> و هو جيد بالنسبة  
إلى الوقت و السير أما المكان فيحتمل قوياً عدم اعتبار ذلك فيه، لإطلاق  
النص و إن اختلفت كمية المسافة في السهولة و الحزونة.

الثاني: لا ريب في الاكتفاء بالسير عن التقدير و لو اعتبرت المسافة بهما و  
اختلفا فالأظهر الاكتفاء في لزوم القصر ببلوغ المسافة بأحدهما و احتمل

۶۵. أجمع، يُجمع: موافقت [مطابقت] كرد.

۶۶. الشهيد الأول في الذكري ص ۲۵۷ و الدروس، ص ۵۰ (كما نقل في حاشية المدارك و لكن  
لم اجدهما) و الشهيد الثاني في الروضة البهية، ج ۱، ص ۳۶۹ و روض الجنان، ص ۳۸۳.

جدِّي (قدّس سرّه) في بعض كتبه تقديم السير؛ لأنّه اضبط و لأنّ الأصل الذي اعتمد عليه المصنّف في تقدير الميل و هو مناسبتة لمسير اليوم يرجع إليه<sup>٦٧</sup> و ربّما لاح من كلام الشهيد في الذكرى تقديم التقدير<sup>٦٨</sup> و لعلّه لأنّه تحقيق و الآخر تقريب .

أما أنّ القصر في السفر عزيمة إذا كان مسيرة يوم أو ثمانية فراسخ فهو اجماعيّ منصوص في عدّة روايات (ص ٤٦٦).

٩ - محقق سبزواری (م ١٠٩٠ ق) در ذخیره المعاد (ج ١، ص ٤٠٥) عیناً کلام مدارک الاحکام را بیان کرده است .

١٠ . محقق بحرانی (م ١١٨٦ ق) در الحدائق الناضرة (ج ١١، ص ٢٩٨):

اعتبار المسافة و الكلام هنا يقع في مقامين : الأوّل : اجمع العلماء من الخاصة و العامة على أنّ المسافة شرط في التخصير و إنّما الخلاف في قدرها، فذهب علماؤنا اجمع إلى أنّ القصر إنّما يجب في مسيرة يوم تامّ يريدن ثمانية فراسخ ... .  
و ثانيها : المستفاد من الأخبار المتقدمة أنّ المسافة تعلم بامرین : (احدهما) مسير يوم و (ثانيهما) الأذرع (ص ٣٠٣) .

ما قدمنا الإشارة إليه من دلالة جملة من تلك الأخبار على أنّ مسافة الثمانية و بياض يوم ... و هذه الأخبار كلّها كما ترى صريحة في أنّ أقلّ مسافة التخصير ثمانية فراسخ و هو بياض يوم (٣٢٥) .

نتیجه و جمع بندی کلمات فقها

از دقت در کلمات فقها، روشن می شود که آنان :

١ . مسافت هشت فرسخ را معادل مسير یک روز تمام دانسته اند : (مقنع ،

٦٧ . روض الجنان، ص ٣٨٣ .

٦٨ . ذکرى الشیعه، ص ٢٥٧ (کما نقل في حاشیه المدارک و لکن لم اجدّه) .

معتبر، تذکره، منتهی المطلب، نهاية الاحکام با ذکر مستند روایی آن، بیان، ذکر الشیعه، روض الجنان، مدارک الاحکام، ذخیره المعاد، حدائق الناضره). در قدیم این دو ملاک بیانگر واقعیت واحدی بوده و آن اینکه هشت فرسخ برابر یک روز سفر است، ولی اکنون مسافت طی شده در یک روز حدود چهل برابر هشت فرسخ است.

اگر هشت فرسخ هیچ ارتباطی با زمان ندارد، چرا در کلام معصومان و فقهای هشت فرسخ، یک روز دانسته شده و حتی آن را اجماعی بیان کرده اند؟

۲. مطلب مذکور را مورد اجماع فقهای امامیه و مطابق با نص عده ای از روایات دانسته اند: (معتبر، تذکره، مدارک الاحکام، ذخیره المعاد، حدائق الناضره).

۳. برای مطلب اوّل چند دلیل عقلی و نقلی ذکر کرده اند:

#### دلایل نقلی

یک: «به مسیر یک روز سفر گفته شده است و با آن قصر ثابت می شود». پس با سفری که یک روز طول نکشد، قصر ثابت نمی شود: (معتبر، نهاية الاحکام). در سفر کوتاه، نماز شکسته نیست و این فتوا اجماعی است: (علامه در نهاية الاحکام). محقق در معتبر دلیل این کلام را روایت پیامبر می داند. پس امروز که سفر هشت فرسخی یک روز طول نمی کشد، بلکه نیم ساعت سفر است، موجب شکسته شدن نماز نمی شود.

دو: دلایل نقلی (پنج روایت) دیگر. محقق در معتبر یک روایت و علامه در نهاية الاحکام یک روایت دیگر را مستند خود قرار داده و به آن فتوا داده اند؛ هر چند این دو حدیث از اهل سنت است. علامه در تذکره به روایت دیگری: (حدیث سماعه: حدیث ۶ و ۷) و در نهاية الاحکام به حدیث دیگر: (شماره ۹) فتوا داده است.

## دلایل عقلی

یک: اگر نماز در مسیر یک روز شکسته نباشد، در بیشتر آن نیز شکسته نخواهد بود: (معتبر، المهدب البارع). این بیان به استناد فقره دوم از حدیث ۱ است. علت دیگر این امر را چنین بیان کرده اند: «مشقت و خستگی سفر با استراحت شب از بین می رود»: (معتبر، المهدب البارع).

دو: سفر یک روز، خستگی آور و موجب شکسته شدن نماز است و این مشقت و خستگی با استراحت شب برطرف می شود: (تذکره، المهدب البارع). سه: در سفر کوتاه، مشقت نیست و نماز شکسته نمی شود: (علامه در نهایة الاحکام). علامه مستند این دلیل را روایات می داند.

۴. مقدار مسافت (بر اساس مقدار مسیری که در یک روز و با قافله شتر و سیر عمومی پیموده می شود) معتبر است: (معتبر، شرایع، مدارک الاحکام، ذخیره المعاد، حدائق الناضره). به عبارت دیگر، هشت فرسخ منوط به یک روز در راه بودن است. حال که این شرط از بین رفته و طی کردن هشت فرسخ، برابر نیم ساعت سفر با اتوبوس است، پس خود هشت فرسخ اعتبار ندارد و ملاک شکسته شدن نماز نیست.

۵. برای شناخت مسافت دو روش وجود دارد: اندازه با ذراع و مسیر یک روز: (المهدب البارع، مدارک الاحکام، ذخیره المعاد، حدائق الناضره). سپس برای وقتی که این دو روش اختلاف پیدا کند، حالات مختلف بیان و قائل آن ذکر شده است. در این صورت آیا می توان گفت هشت فرسخ اصل است و یک روز هیچ تناسبی و ارتباطی با مسافت ندارد؟

۶. صاحب حدائق الناضره در تقریب استدلال، دلیل روشن و متقنی برای وجوب قصر با وجود مشقت و اتمام نماز با عدم مشقت بیان نموده است.

۷. در مقدار زمانی، ملاک در سه امر است: الف) مسیر یک روز معتدل،

ب) قافله شتر، ج) سرعت متعارف: (المهذب البارع).

۸. ملاك وسيله نقلیه، قافله شتر است؛ زیرا وسیله رایج عمومی است:

(روض الجنان).

۹. اگر مقدار حرکت به خاطر منطقه، زمان و سرعت وسیله نقلیه، تفاوت

پیدا کند، مقدار متوسط در هر سه عامل در نظر گرفته می شود: (روض الجنان،

الروضة البهیه، مدارك الأحكام).

۱۰. با شك در اینکه آیا به حد قصر رسیده ایم یا نه، مسیر یک روز معتدل با

حرکتی متعارف، ملاك خواهد بود: (محقق کرکی).

چرا این فقها مسیره یوم را با هشت فرسخ ذکر کرده اند؟ آیا این دو ملاك با هم

ارتباطی داشته اند؟ اگر ارتباط دارند، کدام اصل و کدام فرع است؟ چرا مسافت با

یک روز شناخته می شود؟ و چرا فرموده اند: هشت فرسخ، همان بیاض یوم

است؟ اگر مسافت مکانی را هم اصل بگیریم، در گذشته، هشت فرسخ، یک روز

بوده ولی اکنون چنین نیست. در این صورت چه باید کرد؟

در گذشته که تفاوتی بین هشت فرسخ و یک روز نبوده، صاحب مدارك

الاحکام احتمالات مختلف و وجه مورد قبول را بیان کرده است. حال با اختلاف

فاحش و قطعی بین هشت فرسخ و یک روز، و با وجود این همه دلایل مختلف

راجع به مسیر یک روز، چگونه می توان بر هشت فرسخ اصرار ورزید و هیچ

پذیرشی برای ملاك یک روز نداشته باشیم؟